مجله اینترنتی پیک فان

مظهر حسن و طوفان محض

رسول مکرم اسلام و علی (ع) در نظر بیدل

به نظر بیدل علی (ع) مظهر حسن است و رسول مکرم اسلام طوفان محض

کد خبر: ۱۳۹۲۳۶۶۵۱ تاریخ: ۲۷ آذر ۱۳۸۲ - ۱۰:۱۸

به نظر بیدل علی (ع) مظهر حسن است و رسول مکرم اسلام طوفان محض



محمد عبد العزیز مهجور از شاعران و بیدل شناسان بزرگ خطه افغانستان است که تا کنون بیش از 24 عنوان کتاب در این باره از او منتشر شده است. کلاسهای این استاد ارجمند در افغانستان در زمینه بیدل شناسی و عرفان بیدل در افغانستان بسیار پر رونق است بگونه ایی که از توصیف خارج است برای کسانی که با بیدل و تفکر او آشنایی ندارند باید گفت که مولانا عبدالقادر بیدل دهلوی از نام آورترین و بزرگترین شاعران سبک هندی است که در خارج از ایران و به خصوص در افغانستان و تاجیکستان به اندازه حافظ و حتی بیش از از آن مورد توجه و علاقه این مردمان است . این شاعر گرانمایه بیشترین مدایح را در بین شاعران پارسی گوی متاخر در زمینه حضرت علی (ع) دارد . آمدن استاد مهجور به ایران و آشنایی قدیم اینجانب با او فرصت این مصاحبه را بدست داد آنچه در پی می آید مصاحبه ای است با او .

استاد درباره خودتان بگوید؟

اسم من محمد عبدالعزیز مهجور فرزند استاد زنده یاد محمد عبدالحمید اسیر معروف به قندی آغا است که در سال 1324 خورشیدی دراستان قند هار افغانستان متولد شده ام و تحصیلات عالی را در دانشکده اقتصاد دانشگاه افغانستان به درجه لیسانس به پایان رسانیدم.

مدت بیست و پنج سال را در امور بانکداری و پول سپری کرده و اخیرا از پست ریاست بانک اکتشاف صنعتی باز نشسته گشتم.

علاقمندی من بر تصوف و ادب از زبان طفلی بوده و از فیوضات پدر بزرگوار به اقلیم میرزا عبد القادر بیدل راه یافتم و تا کنون در حدود بیست و چهار اثر درحدود آثار بیدل تالیف که صبغه تحقیقی دارد نوشته ام که از آنجمله چهار اثر من بنام هایی شرح مستزاد بیدل، آینه بندان حیرت بیدل "کامدی و مدن" و داغ محرومی شامل داستان های مندرج کتابهای عرفان بیدل می باشد مقالات و اشعار من در روزنامه ها و مجلات به چاپ رسیده و اگر اشعار مرد هنرمند افغانی را خوانده اید که در آرشیو رادیو افغانستان موجود است.

_علاقمندی شما به بیدل و شعر صوفیانه مرا بر آن داشت تا این سوال را مطرح کنم که نشاط درشعر صوفیانه و بخصوص بیدل به عنوان مثال از" زمین تا آسمان جوش بهار رحمت است /دیده هر جا باز می گردد دچار رحمت است" ناشی چه نگاهی است؟

_جواب ! قبل از انکه به پاسخ سوال پرداخته شود باید عرض نمود که حضرت بیدل از پیروان مکتب وحدت الوجود است که خود در این راه نو آوری هایی دارد که با مطالعه اشعار آن استنباط حکایت می شود. بیدل از آن جهت به نشاط می آیدکه بخشایش خداوندی بر غضب آن سبقت دارد و این ایمان مایه سرور و خوشحالی بیدل است و این مطلب از روشهای مکتب وحدت الوجود نشات میکند که شیخ اکبر می فرماید "که در برابر بخشایش خداوندی احتمال دارد به فرعون نیز سوئ ظن ایمان برده باشند" بیدل اگر خود را وابسته یاس و نا امیدی می داند و خود را سمبولی در این راستا می پندارد چنانچه میگوید: دست هر امید محکم داشت دامان دلی /یاس تا بیکس نباشد بیدلی آراستند از این جهت است. موضوع دیگری که بیشتر از همه در شعر بیدل جلب توجه می کند بنده گی است که بنده گی مقام تکمیل عرفاست زیرا زمانیکه سیر عروجی ختم می شود در پایان سیر نزولی بنده صوفی به این حقیقت می رسد که نه آن قدیم حادث می شود و نه این حادث قدیم . بنابراین به اوج خود که عبارت بنده گی نایل می شود.

-بیدل می گوید من شعر را از پیامبر آموخته ام به تبع شاعری که چنین سخنی می راند می بایست جلوه های قرانی در آن بسیار باشد درباره تاثیرات قرآن در بیدل و شعر بیدل توضیح دهید؟

تا جاییکه من می دانم هیچ گاه حضرت بیدل ادعایی نفرموده اند که شعر را از رسول حکیم (ص) دریافت کرده باشم. اگر رباعی که در این زمینه سروده است در نظر گرفته شود از آن بر داشت دیگری بدست می آید بیدل می فرماید:

بیدل که سر و برگ کمالم عصبی است.

فارغ زکمالات معارف نصبی است

تحقیق این است با تو می گویم و بس

بی واسطه ارشاد من از روی نبی است

در اینجا منظور از ارشاد رهنمایی در تصوف و عرفان است که بیدل از حضور پر نور محمدی مستفید گردیده است .

بیدل بیتی دارد به این مضمون که یک مصرع آن را متذکر می شویم

کتابی آسمانی خواندم و این است تفسیرش

پر واضح است که کل معرفت بیدل بر اساس متابعت از آیات و احادیث است.

درغیر آن نه تصوف بدون شریعت مدار اعتبار است و نه مایه رستگاری .بزرگی می گوید که طریقت و حققیقت خادمان شریعت است و گفته اند که طریقت بدون شریعت زنادقه والحاد است. چون بیدل یکی از متشر عین اسلام است بنا براین سراسر کلام خود را منطبق به آیات و حادیث نموده است.

در شعر بیدل عجز جایگاه خاصی دارد و به نظر می رسد که در نگاه او انسان مسلمان نمی شود تا عاجز نشود و انگار بعد از رسیدن به عجز است که انسان به حقیقت دین نایل می آید در باره این توضیح دهید؟

در راه عرفان و تصوف هر یک از عرفا بنای کار عرفانی خویش را بر سجیه ای می گذارند چنانکه شیخ عبد القادر گیلانی بنای کار تصوفی خود را بر صدق گذاشت دیگری به یک سجیه و بیدل بنای کار تصوفی خویش را بر عجز گذاشته است به عقیده ابوالمعانی کسانی که عاجزند در حقیقت توانایند

صاحب تسلیم را هر کس تواضع می کند /چون کنی یک سجده پیدا میشود محرابها

نقش پا شو فروغ ما در یاب /هست از این در رهی به خانه ما

بیدل به سجود و بندگی تو ام باش/ تا بار نفس به دوش داری خم باش

زین عجز که در طینت تو گل کرده است/ الله نمی توان شدن آدم باش

بیدل بر اساس انکسار و عجز کار خود ار پیش می برد عجز شامل تواضع است وشایسته شیر میباشد یک صفت عالی و انسانی است.انسان طبیعتا بنده است و بندگی که خلقت ضعیف و ناتوانی همراه آن می باشد شایسته بندگان است. زیرا هیچ گاه بنده خدا شده نمی تواند .

بیدل تعریض گونه بر منصور حلاج می فرماید:

حیف بر منصور ما تسلیم راهی وانکرد

از غرور و هم باید اندکی بالا گذاشت

بیدل غرور را و هم دانسته و آنرا برای انسان شایسته و بایسته نمی بیبند. بل برای انسان تسلیم" عاجزی" و بندگی" تاج افتخارااست و بس.

سجده و بخصوص تمام ارکان نماز مانند رکوع – قیام و ...در اشعار بیدل بسیار نمود دارد به نظر شما که یک بیدل شناس هستید این نمودها و این توجه بیدل به نماز ناشی از چه نگاهی است؟

تا جاییکه بر آثار حضرت بیدل تعمق صورت می گیرد بیدل از سجده که علامت بندگی است جانبداری و تاکید می کند .بیدل می فرمایند :

نقش معکوسینگی از سجده می گردد درست

سرنوشت واژگون را راست می سازد نماز

نماز در واقعیت اعلام بندگی و شکستگی به بارگاه رب العزه است آنچه را که در جهان کبریایی سراغ نداریم عاجزی است و

این خود روشن می سازد که خدای عاجزی بندگان را خریدار است.

_تمام عرفا و بزرگانی از این دست خود را به نوعی شاگردان حضرت امیر (ع) می دانند آیا در تفکرات و اشعار بیدل بن مایه هایی از نهج البلاغه و تعلیمات حضرت امیر دیده می شود؟

در اسلام به این باورند که مرکز ولایت حضرت علی بن ابی طالب مولای متقیان کرمه الله وجه می باشد.و این یگانه مردی است که در راس ولایت قرار دارد.

و هیچ عارفی به مراحل بلند عرفانی نمی رسد که سر اخلاص به بارگاه مولا علی خم نسازد بیدل در"چهار عنصر" از واقعه ای اطلاع می دهد که به حضور علی (کرمه الله وجه) رسیده است.

بیدل با وجود آنکه یک سنی است در وصف حضرت علی یازده قصیده سروده است در حالیکه برای یاران دیگر پیامبر (ص) یک قصیده دارد، بیدل در وصف حضرت امیر می فرماید

کدامین شعر یزادان مرتضی آن صفدر غالب

که می خوانند مردان حقیقت شاه مرداش

یا می فرماید:

یا علی انشا کن و درعلم و فن آتش فکن

از این ابیات درجه اخلاص و اارادت ابوالمعانی به مولای متقیان ظاهر و باهر است .

_در اشعار بیدل مدایح بسیاری از حضرت علی (ع) دیده می شود. درباره این مدایح توضیح دهید و بفرمایید چه ویژگهایی از بزرگیهای حضرت امیر در شعر بیدل دیده شده است ؟

به نظر حضرت بیدل حضرت مولا خلوت و بطون است و نبوت ظهور .

علی (ع) را حسن می داند و رسول مکرم اسلام را طوفان محض می کند.

او ظهور و این بطون او خلوت و این انجمن

حضرت حافظ می فرماید:

در کار گلاب و گل حکم از لی این بود

کان شاهد بازاری این پرده نشین باشد.

نبوت به اجبار مردم را در حالت ظهور به سوی خدا دعوت می کند و عارف د رخلوت مردان را به سوی خدا می خواند هر دو از یک چشمه آب می گیرد چنانچه گل و گلاب یکی است یکی در دکان عطارپرده پوش است و نامش را گلاب می گویند و دیگری گلی است در بوستان درمقابل انظارمردمان و آنرا گل می نامنند این مصلحت خداوندی است.

که یکی را نبی می گذارد و یکی را ولی. یکی را مولای متقیان می سازد و دیگری را سردار عالمیان. اما در هر دو صورت لحمک لحمی و جسمک جسمی.

بیژن مقدم